

تقریر درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی دامت برکته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۱۳	تاریخ	۱۴۰۰/۱۰/۲۳
عنوان ۱	فصل اول: کلیات احکام ازدواج				
عنوان ۲	مطلب پنجم: شروط وجوب نکاح یا انکاح				
عنوان ۳	شروط کفویت				
عنوان ۴	اموری که موجب سلب کفویت می شود				
عنوان ۵	کفر				
عنوان ۶	ازدواج زن مسلمه با مرد کتابی				

جلسات متعددی درباره ازدواج بین مسلم و کافر بحث کردیم که در این جلسه جمع بندی بحث را در چند بند بیان

می کنیم:

بند اول:

ازدواج بین کافر غیر کتابی و مسلم باطل است؛ چه مرد مسلمان باشد و زن کافر غیر کتابی و چه بالعکس؛ این مسأله تقریباً از مسلمات فقه ماست و ادله زیادی بر آن دلالت دارد؛ از جمله آیه کریمه که می فرماید:

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا يُعْجَبُ كُفْرًا﴾^۱

و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید! (اگر چه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید؛ زیرا) کنیز باایمان، از زن آزاد بت پرست، بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان باایمان درآورید؛ زیرا) یک غلام باایمان، از یک مرد آزاد بت پرست، بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او)، شما را به شگفتی آورد.

طبق تتبعی که در قرآن انجام داده ایم، واژه مشرک هر جا در برابر اهل کتاب قرار بگیرد، مراد کافر غیر کتابی است؛ زیرا عطف مشرک بر اهل کتاب ظهور در این مطلب دارد. در آیات متعددی از قرآن کریم چنین است که مشرک، ظهور در کافر غیر کتابی دارد؛ مانند:

۱. سوره بقره: ۲۲۱.

﴿مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾^۱؛

کافران اهل کتاب، و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد.

همچنین در جای دیگر چنین می فرماید:

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾^۲؛

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می گفتند): دست از آیین خود بر نمی دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید،

و نیز می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾^۳؛

کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند؛ آنها بدترین مخلوقاتند!

همچنین در سوره حج می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾^۴؛

مسلمانان کسانی که ایمان آورده اند، و یهود و صابئان [= ستاره پرستان] و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند

در میان آنان روز قیامت دوری می کند؛ (و حق را از باطل جدا می سازد)؛.

که در اینجا ﴿وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾، عطف بر اصناف اهل کتاب شده است.

و همچنین می فرماید:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى﴾^۵؛

بطور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیکترین دوستان به

مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند: «ما نصاری هستیم».

در اینجا نیز ﴿الَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ بر یهود عطف شده است و نصاری در حکم مانند یکدیگرند و این عطف

نشان گیر این است که مراد از ﴿الَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾، غیر اهل کتاب است.

و نیز در جای دیگر می فرماید:

۱. سوره بقره: ۱۰۵.

۲. این آیه از آیات مهمه فقه سیاسی است که باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد که مشرکین کتابی و غیر کتابی، خیر خواه ما نیستند؛ ما دیپلماسی خودمان را باید بر اساس این آیات مبتنی کنیم؛ این آیه از آیاتی است که خطوط کلی فقه دیپلماسی را تبیین می کند.

۳. سوره بینه: ۱.

۴. همان: ۶.

۵. سوره حج: ۱۷.

۶. سوره مائده: ۸۲.

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحَّزَجَةٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾^۱؛

و آنها را حریص ترین مردم - حتی حریصتر از مشرکان - بر زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست.

عبارت ﴿لَتَجِدَنَّهُمْ﴾ اشاره به یهود است و در آیات قبل از این آیه درباره یهود بحث می کند که در این آیه نیز ﴿الَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ بر آن عطف شده است.

از تتبع موارد استعمال کلمه مشرکین استفاده می کنیم که اگر مشرکین در مقابل اهل کتاب آورده شدند، مراد کافر غیر کتابی است؛ اما اگر مشرکین تنها و بدون عطف با اهل کتاب آمدند، ظهور در شمول نسبت به تمام کفار دارد اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب. شاهد این مطلب، روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. بر این اساس از عبارت ﴿لَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ﴾ و ﴿لَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ﴾ در آیه مورد بحث، استفاده می شود که این آیه شامل اهل کتاب نیز می شود؛ اما بعداً این آیه تخصیص خورده و به تعبیر روایات نسخ شده است که مراد از نسخی که در اینجا گفته می شود، نسخ تمام آیه و حکم نیست؛ بلکه نسخ بعضی از حکم است که ما از آن به تخصیص تعبیر می کنیم. لذا از این استفاده می کنیم سایر مواردی که مشرکین به تنهایی ذکر شده، شامل اهل کتاب نیز می شود؛ مثلاً در آنجا که می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾^۲؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند!

این آیه، شامل اهل کتاب نیز می شود و یکی از ادله ما برای نجاست اهل کتاب نیز همین آیه است. از قرائنی که دلالت بر این ادعا می کند که مشرک و مشرکین اگر به تنهایی در قرآن بیاید، شامل اهل کتاب نیز می شود، روایاتی است که برخی از آنها را بیان می کنیم:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: «قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ تَزَوَّجَ نَصْرَانِيَّةً عَلَى مُسْلِمَةٍ؟ قَالَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا قَوْلِي بَيْنَ يَدَيْكَ؟ قَالَ لَتَقُولَنَّ فَإِنَّ ذَلِكَ يُعَلِّمُ بِهِ قَوْلِي. قُلْتُ: لَا يَجُوزُ تَزْوِيجُ النَّصْرَانِيَّةِ عَلَى مُسْلِمَةٍ وَلَا غَيْرِ مُسْلِمَةٍ. قَالَ: وَلِمَ قُلْتُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ﴾ قَالَ فَمَا تَقُولُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾ قُلْتُ فَقَوْلُهُ ﴿وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ﴾ نَسَخَتْ هَذِهِ الْآيَةَ فَتَبَسَّمْتُ ثُمَّ سَكَتَ»^۳؛

۱. سوره بقره: ۹۶.

۲. سوره توبه: ۲۸.

۳. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب ما یحرم بالکفر، باب ۱، ح ۳.

معلوم می شود که حضرت مشرکات در این آیه را شامل اهل کتاب دانسته است؛ زیرا راوی در جواب امام می فرماید من حکم به عدم ازدواج با اهل کتاب را از این آیه که می فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ»، متوجه شدم. روایت دیگر، روایتی است که مرحوم طبرسی در مجمع البیان در ذیل آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» آورده است:

قَالَ رَوَى أَبُو الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ مَسْخُوحٌ بِقَوْلِهِ تَعَالَى «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ» وَبِقَوْلِهِ «وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ»؛^۱

در این روایت نیز حضرت «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ» را شامل اهل کتاب می داند و بلکه «الْكُوفَرِ» را نیز شامل اهل کتاب می داند که البته در شمول کافر به اهل کتاب بحثی نیست. علی بن ابراهیم قمی در تفسیر روایتی را نقل می کند که امکان دارد همین روایت قبل است که مرحوم طبرسی از تفسیر قمی نقل کرده است و نیز امکان دارد که روایت مستقلى باشد:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ «وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ» يَقُولُ مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ كَافِرَةٌ يَعْنِي عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ الْإِسْلَامِ وَهُوَ عَلَى مِلَّةِ الْإِسْلَامِ فَلْيُعْرِضْ عَلَيْهَا الْإِسْلَامَ فَإِنْ قَبِلَتْ فَهِيَ امْرَأَتُهُ وَإِلَّا فَهِيَ بَرِيئَةٌ مِنْهُ فَهِيَ اللَّهُ أَنْ يَسْتَمْسِكَ بِعَصَمَتِهَا»؛^۲

در این روایت نیز اشاره بر این دارد که کوفرا، شامل «کل من علی غیر الاسلام» می شود؛ چه اینکه کتابی باشد و چه اینکه نباشد؛ که این روایت نیز مؤید مضمون روایت قبل است. در روایت حفص بن غیاث چنین آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِي أُيُوبَ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: كَتَبَ بَعْضُ إِخْوَانِي أَنْ أَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مَسَائِلَ فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْأَسِيرِ هَلْ يَتَزَوَّجُ فِي دَارِ الْحَرْبِ؟ فَقَالَ: أَكْرَهُ ذَلِكَ، فَإِنْ فَعَلَ فِي بِلَادِ الرُّومِ فَلَيْسَ هُوَ بِحَرَامٍ هُوَ نِكَاحٌ وَأَمَّا فِي التُّرْكِ وَالدَّبْلَمِ وَالْخَزَرِ فَلَا يَجِزُّ لَهُ ذَلِكَ»؛^۳

گفتیم بند اول این است که ازدواج با کافر غیر کتابی جایز نیست و این روایت صحیح السند شاهی بر این مطلب است. در این روایت حضرت ازدواج با غیر کتابی را جایز نمی داند اما ازدواج با کتابی را جایز می داند؛ لذا این روایت معارض روایات قبلی است که از آنها استفاده می شد که ازدواج با مطلق الکافر حرام است.

۱. همان؛ ح ۷.

۲. همان؛ باب ۵، ح ۷.

۳. در آن روزگار اهالی این مناطق مشرک بودند.

۴. وسائل الشیعة؛ کتاب النکاح، ابواب ما یحرم بالکفر، باب ۲، ح ۴.

روایت دیگری نیز وجود دارد که بر این مطلب دلالت دارد؛ البته از لحاظ سندی تام نیست؛ زیرا وثاقت اوزاعی و زهری ثابت نشده است؛ روایت چنین است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعَلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ عَيْسَى بْنِ يُونُسَ عَنْ الْأَوْزَاعِيِّ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: «لَا يَجِلُّ لِلْأَسِيرِ أَنْ يَتَزَوَّجَ مَا دَامَ فِي أَيْدِي الْمُشْرِكِينَ مَخَافَةَ أَنْ يُوَلَّدَ لَهُ فَيَبْقَى وَلَدُهُ كَافِرًا فِي أَيْدِيهِمْ»؛

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الظَّاهِرِينَ